



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد همکاری حوزه سیب و وزارت امور اقتصادی و دارایی

واره



واره

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی استاد احسان ولدان
در رویداد هجرت ۳؛ خانه سلیمانی می باشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: واره

سخنران: استاد احسان ولدان

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: واره، میراث ایرانی، تعاونی‌سازی، الگوهای نوین تعاونی، خلق ارزش،

عدالت اقتصادی، مشارکت فعال

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۲۱۶۱۴۳۰

تاریخ نشر: اردیبهشت ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی‌باشد.



فهرست مطالب

۶.....	مقدمه
۶.....	واره: تعاونی کهن روستایی زنانه
۷.....	افول واره در سال ۱۳۳۵
۷.....	نحوه عملکرد واره
۷.....	مراحل فرآیند تولید در واره
۸.....	همکاری و همیاری در تولید
۹.....	واره: نمونه‌ای از نوآوری زنانه در اقتصاد ایرانی
۹.....	اقتصاد ایرانی و الگوهای مبتنی بر همیاری و تعاون
۱۰.....	اقتصاد تعاون بنیان: الگویی نو برای تامین نیازها
۱۱.....	واره: سیستمی فراتر از بازار
۱۱.....	تمرکز بر تولید محلی در واره
۱۱.....	تولید فردی در مقابل تولید جمعی
۱۲.....	الگوهای نوآورانه در کسب و کارهای مبتنی بر تعاون
۱۲.....	مبارزه با استثمار و بهره‌کشی در زنجیره ارزش
۱۴.....	تفاوت تعاونی‌های چند ذینفعه‌ای با NGC ها و ترینیستیک آریتیوها



واره

باسمه تعالی

مقدمه

با سلام و احترام خدمت شما بزرگواران، سالروز شهادت امام رضا علیه السلام را به شما تسلیت عرض می‌کنم. در این سخنرانی، داستان زنی به نام فاطمه خدیجه از کشور مراکش را برایتان بازگو می‌کنم که با ایده خلاقانه خود، تحولی در زندگی زنان زعفران‌کار کشورش ایجاد کرد.

فاطمه خدیجه، فارغ‌التحصیل رشته کارآفرینی، در سال ۲۰۱۵ شاهد نابرابری در زمینه زعفران‌کاری در کشورش بود. زنان مراکشی که در مراحل مختلف تولید زعفران، از کاشت تا برداشت و بسته‌بندی، نقش‌آفرینی می‌کردند، دستمزدی ناچیز دریافت می‌کردند و سهم اندکی از سود حاصل از این محصول ارزشمند داشتند. فاطمه با مشاهده این وضعیت، ایده‌ای نوآورانه در ذهن پروراند. او تصمیم گرفت به جای تمرکز بر بخشی از فرآیند تولید، تعاونی‌های کوچکی را در حوزه بهره‌برداری از زعفران راه‌اندازی کند. این تعاونی‌ها، زنان را از ابتدای زنجیره تا انتهای آن، یعنی از کاشت تا بسته‌بندی، درگیر فرآیند تولید می‌کردند.

در سال ۲۰۱۵، اولین تعاونی با حضور ده زن زعفران‌کار آغاز به کار کرد. این زنان با تلاش و پشتکار خود، مراحل مختلف تولید زعفران را از کشت تا خشک‌کردن و بسته‌بندی انجام می‌دادند.

از سال ۲۰۱۵ تا سال گذشته، فاطمه ۱۵۰ تعاونی کوچک بهره‌برداری از زعفران را در سراسر کشور مغرب ایجاد کرد. اما نکته حائز اهمیت این بود که او فقط به راه‌اندازی تعاونی‌ها اکتفا نکرد، بلکه به زنان زعفران‌کار در زمینه بازاریابی و صادرات محصولاتشان نیز آموزش داد.

این ابتکار عمل، زنان را از وضعیتی که در سال ۲۰۱۵ داشتند، یعنی کار برای شرکت‌ها با دستمزدی ناچیز در مراحل پاک کردن و خشک کردن زعفران، به صاحب‌کاران خود تبدیل کرد. آنها با عضویت در تعاونی‌ها، از صفر تا صد فرآیند تولید زعفران، از کاشت تا بسته‌بندی و صادرات، را خودشان انجام می‌دادند.

واره: تعاونی کهن روستایی زنانه

واره، یک سازمان تعاونی سنتی و دیرینه است که قدمت آن به چند هزار سال می‌رسد. این سازمان که در مناطق



واره

روستایی ایران رواج داشته، توسط زنان اداره می‌شده و بر پایه همکاری و همیاری بنا شده است. نام "واره" در زبان‌های مختلف ایرانی، از جمله فارسی، ترکی و آذری، به ثبت رسیده است. این تنوع نام‌ها نشان‌دهنده گستردگی و قدمت این سنت دیرینه در سراسر ایران است.

افول واره در سال ۱۳۳۵

سال ۱۳۳۵ نقطه عطفی در تاریخ واره بود. در این سال، این سنت دیرینه به تدریج از رونق افتاد و از فضای اقتصاد ایران رخت بربست. در آن زمان، حدود ۴۰۰ هزار واره در سراسر کشور وجود داشت. دو میلیون زن ایرانی عضو این تعاونی‌ها بودند و در زمینه تولید محصولات لبنی فعالیت می‌کردند. ظرفیت تولید این ۴۰۰ هزار واره به اندازه سه تا از بزرگترین کارخانه‌های تولید لبنی امروزی ایران بود.

نحوه عملکرد واره

واره، سیستمی مبتنی بر همکاری و همیاری زنان روستایی بود که به منظور تولید محصولات لبنی به کار گرفته می‌شد. در این سیستم، هر خانواده روستایی عضو واره، تعدادی دام، مانند گوسفند یا بز، داشت که شیر تولید می‌کرد. اگر هر خانواده به تنهایی اقدام به تبدیل شیر به محصولات لبنی می‌کرد، با مشکلات متعددی روبرو می‌شد. حجم کم شیر تولیدی هر خانواده، کارایی لازم را نداشت و نگهداری آن نیز دشوار بود. اما در واره، زنان با یکدیگر همکاری می‌کردند و شیر تولیدی دام‌های خود را در یک مخزن بزرگ جمع‌آوری می‌کردند. این امر، حجم قابل توجهی از شیر را برای تبدیل به محصولات لبنی فراهم می‌کرد و از نظر اقتصادی نیز به صرفه‌تر بود.

مراحل فرآیند تولید در واره

جمع‌آوری شیر: اعضای واره به نسبت میزان تولید شیر دام‌های خود، در نوبت‌های مشخص، شیر دوشیده شده را به یک خانواده از اعضای واره تحویل می‌دادند.

تبدیل شیر به محصولات لبنی: خانواده‌ای که شیر را دریافت می‌کرد، مسئول تبدیل آن به محصولاتی مانند ماست، پنیر، کره و دوغ بود.



توزیع محصولات: پس از تولید محصولات لبنی، آنها به طور مساوی بین همه اعضای واره تقسیم می‌شدند.

همکاری و همیاری در تولید

یکی از ویژگی‌های بارز واره، همکاری و همیاری همه اعضای آن خانواده‌ها در تولید محصول بود. علاوه بر اینکه شیر را به عنوان نهاده در اختیار واره قرار می‌دادند، در مراحل مختلف تولید محصولات لبنی نیز با یکدیگر همکاری می‌کردند. این امر، نمونه‌ای از بازتوزیع عادلانه منابع و ثروت در واره بود. خانواده‌هایی که در یک واره شریک بودند، با عنوان «همواره» شناخته می‌شدند. این خانواده‌ها ممکن بود تعداد دام‌های متفاوتی داشته باشند، حتی برخی از آنها ممکن بود اصلاً دامی نداشته باشند؛ اما با مشارکت در واره، از طریق سیستم بازتوزیع، هیچ کس در روستا از محصولات لبنی محروم نمی‌شد. ساختار واره، علاوه بر اینکه صرفه اقتصادی و قدرت اقتصادی قابل توجهی برای تولید محصولات لبنی ایجاد می‌کرد، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و حتی تفریحی دیگری نیز داشت. کل این گروه اجتماعی، از طریق این سامانه تولیدی، نیازهای لبنی خود را تامین می‌کردند.

علاوه بر مزایای اقتصادی، واره کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مهمی نیز داشت. این سازمان، فضایی برای تبادل اخبار، گفتگو و همیاری بین زنان واره و خانواده‌هایشان بود.

در دنیای مدرن، بسیاری از افراد نگاهی اقتصادی به مسائل مختلف دارند. از جمله این مسائل، بحث دامن‌داری معیشتی و نیمه‌معیشتی است. در نگاه اول، ممکن است به نظر برسد که نگهداری تعداد کمی دام از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست و باید به نفع دامن‌داری‌های بزرگ و صنعتی کنار گذاشته شود. اما آیا این دیدگاه واقعاً درست است؟

اقتصاد مدرن، با تمرکز بر صرفه اقتصادی و مزیت مقیاس، به دامن‌داری معیشتی به عنوان یک نظام شکست‌خورده نگاه می‌کند. از نظر این دیدگاه، نگهداری تعداد کمی دام، فاقد مزیت اقتصادی و فاقد صرفه حاصل از مقیاس است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که برای افزایش بهره‌وری و سوددهی، باید به سمت دامن‌داری‌های بزرگ و صنعتی رفت و دامن‌داری‌های معیشتی را کنار گذاشت.

حذف دامن‌داری معیشتی، پیامدهای فراتر از مسائل اقتصادی دارد. این امر، به معنای از بین رفتن بسیاری از کارکردهای فرهنگی و اجتماعی در روابط خانوادگی و جوامع روستایی است. واره، به عنوان نمونه‌ای از این کارکردها،



واره

از بین رفته و با آن، بسیاری از هویت و انسجام اجتماعی جوامع روستایی نیز از بین رفته است. در حالی که اقتصاد مدرن به دنبال حذف دامداری معیشتی به دلیل عدم صرفه اقتصادی آن است، اقتصاد ایران رویکردی متفاوت را در پیش می‌گیرد. این رویکرد بر سازگاری سیستم تولید با شرایط دامداری معیشتی تمرکز دارد؛ به عنوان مثال، اگر در حال حاضر سیستم تولید محصولات لبنی کارخانه‌ای بر پایه بنگاه‌های اقتصادی و شیر پاستوریزه باشد، دامداری معیشتی هیچ تناسبی با آن نخواهد داشت. اما اگر سیستم تولید متناسب با دامداری معیشتی تغییر کند، می‌توان به رونق این نوع دامداری در ایران دست یافت.

واره: نمونه‌ای از نوآوری زنانه در اقتصاد ایرانی

واره، به عنوان نمونه‌ای از میراث ایرانی، نشان‌دهنده توانایی زنان در ابداع و ابتکار در زمینه دامداری معیشتی است. این سیستم سنتی، حاصل خلاقیت و نوآوری زنان ایرانی در تناسب با شرایط زندگی معیشتی آنها بوده است. نکته مهم این است که زن ایرانی در طول تاریخ، اسیر ساختارهای تولیدی غربی نشده است. بلکه همواره تلاش کرده تا با توجه به شرایط اقتصاد ایران، راه‌حل‌های مدرن و نوآورانه‌ای برای سازگاری با زندگی معیشتی خود ارائه دهد. امروزه، نیازمند احیا و بازآفرینی این نوآوری‌ها در اقتصاد ایرانی هستیم؛ یعنی زنان ایرانی باید در نقش‌آفرینی اقتصادی خود، به سمت ایجاد سامانه‌ها و ساختارهای تولیدی نوآورانه و مبتنی بر یاری و تعاون حرکت کنند تا به جای تسلیم شدن در برابر ساختارهای تولیدی غربی، به دنبال بازآفرینی ارزش‌ها و میراث ایرانی خود باشیم.

واره، به عنوان نمونه‌ای از این میراث، نشان‌دهنده توانایی زنان ایرانی در مقاومت در برابر ساختارهای غربی و یافتن راه‌حل‌های متناسب با شرایط بومی است. شاید تصور شود که ساختار تولیدی کوچک واره در مقایسه با کارخانه‌های بزرگ تولید محصولات لبنی، ظرفیت پایینی دارد. حتی زمان افول واره، ظرفیت تولید آن معادل سه تا از بزرگترین کارخانه‌های لبنی امروزی بود. این امر نشان‌دهنده پتانسیل بالای واره در تولید محصولات لبنی در تناسب با شرایط دامداری معیشتی است.

اقتصاد ایرانی و الگوهای مبتنی بر همیاری و تعاون

تمرکز اصلی ما بر الگوهایی است که بر پایه همیاری و تعاون بنا شده‌اند. واره، به عنوان نمونه‌ای از این الگوها،



واره

نشان‌دهنده توانایی و خلاقیت ایرانیان در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی با استفاده از همکاری و همیاری است. فرض کنید یک خانواده روستایی شیر مازاد بر مصرف خود تولید می‌کند. در نگاه اول، ممکن است به نظر برسد که تنها راه حل، فروش این شیر در بازار باشد. اما در بسیاری از روستاها، دسترسی به بازار به این سادگی نیست. علاوه بر این، حجم شیر تولیدی ممکن است به حدی کم باشد که نگهداری و تبدیل آن به محصول توجیه‌پذیر نباشد. در اینجا، واره به عنوان یک راه‌حل مبتنی بر همیاری و تعاون وارد عمل می‌شود. این سیستم سنتی، به جای تعطیلی دامداری معیشتی، یک ساختار تولید جدید تعریف می‌کند. در واره، خانواده‌های روستایی با یکدیگر همکاری می‌کنند تا شیر مازاد خود را جمع‌آوری کرده و به محصولات لبنی تبدیل کنند.

واره، به عنوان نمونه‌ای از الگوهای مبتنی بر همیاری و تعاون در اقتصاد ایرانی، درس‌های ارزشمندی برای امروز دارد. این الگو نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با استفاده از همکاری و همیاری، بر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی غلبه کرد و به رونق اقتصادی و معیشتی در سطح محلی دست یافت.

اقتصاد تعاون بنیان: الگویی نو برای تامین نیازها

در دنیای امروز، اقتصاد بازار به عنوان بستر اصلی تعامل و تامین نیاز شناخته می‌شود. اما الگوی دیگری به نام "اقتصاد تعاون بنیان" وجود دارد که می‌تواند زمین‌بازی را به نفع همکاری و همیاری عوض کند. واره، به عنوان نمونه‌ای از این الگو، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با نفی فردگرایی، انباشت و کالایی‌سازی، به تامین نیازها در سطح محلی و با رویکردی مبتنی بر همیاری دست یافت.

اقتصاد تعاون بنیان بر پایه اصولی بنا شده است که در تضاد با اصول اقتصاد بازار قرار می‌گیرند:

۱. نفی فردگرایی اقتصادی: در اقتصاد بازار، افراد به عنوان واحدهای مجزا و بدون اتصال به یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. این امر، آنها را به سمت بازار برای تامین نیازهایشان سوق می‌دهد. اما در اقتصاد تعاون بنیان، افراد به عنوان اعضای یک جامعه به هم مرتبط و وابسته هستند. این امر، زمینه را برای همکاری و همیاری در جهت تامین نیازها فراهم می‌کند.
۲. نفی انباشت: در اقتصاد بازار، تمرکز بر تولید انبوه و در مقیاس بزرگ است. این امر به ایجاد کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی بزرگ منجر می‌شود. اما در اقتصاد تعاون بنیان، تولید در مقیاس کوچک و با استفاده از منابع محلی انجام می‌شود.



واره

۳. نفی کالایی سازی: در اقتصاد بازار، محصولات تولیدی به عنوان کالا در بازار عرضه می شوند. اما در اقتصاد تعاون بنیان، محصولات تولیدی به عنوان پاسخ به نیازهای جامعه و با رویکردی مبتنی بر همیاری تولید می شوند.

واره: سیستمی فراتر از بازار

واره، سیستمی سنتی در اقتصاد ایرانی است که فراتر از مفهوم بازار عمل می کند. در واره، مبادله پولی انجام نمی شود و خانواده های عضو واره، هیچ هزینه ای برای دریافت محصولات مورد نیاز خود پرداخت نمی کنند. این امر نشان دهنده نظام محاسبه ای متفاوت در واره و عدم تمرکز صرف بر مبادله پولی و کالایی سازی محصولات است. وجود واره و سایر الگوهای مشابه در اقتصاد ایرانی، نشان دهنده اهمیت همبستگی و اتحاد در تامین نیازهاست؛ برخلاف ساختارهای غربی که بر پایه رقابت، تنازع و چنگ اندازی بنا شده اند، میراث ایرانی بر همکاری و همیاری برای تامین نیازهای جامعه تاکید دارد. در این نگاه، تامین نیاز نه از طریق رقابت و جنگ، بلکه از طریق اتحاد و همبستگی اتفاق می افتد. امروزه، در حالی که دنیا به دنبال الگوهای نو برای تامین نیازها و توسعه پایدار است، ادبیات اقتصادی ایرانی مورد توجه قرار می گیرد. نحلتهای نوظهوری مانند «اقتصادهای مبتنی بر اتحاد» در حال شکل گیری هستند که در واقع بازگشتی به آموزه های دیرینه اقتصاد ایرانی محسوب می شوند.

تمرکز بر تولید محلی در واره

واره، به عنوان الگویی از اقتصاد ایرانی، بر اهمیت محلی سازی تولید و خلق ارزش در سطح محلی تاکید دارد. در حالی که سیستم های متداول تولید، شیر تولیدی در روستاها را به کارخانه های بزرگ در استان ها منتقل می کنند، واره بر تولید محصولات لبنی در همان محل تولید شیر تاکید دارد. این الگو نشان می دهد که چگونه می توان با تمرکز بر تولید محلی و خلق ارزش در سطح محلی، به توسعه پایدار و رونق اقتصادی در روستاها دست یافت.

تولید فردی در مقابل تولید جمعی

ساختارهای تولید کنونی در بسیاری از موارد بر پایه تولید فردی بنا شده اند. اما واره، به عنوان نمونه ای از الگوهای تولید جمعی در اقتصاد ایرانی، نشان دهنده مزایای استفاده از دانش و فناوری بومی و اتحاد حول زنجیره ارزش است.



واره

در واره، شاهد انتقال و حفظ دانش و فناوری بومی در تولید محصولات لبنی به صورت شفاهی در نسل‌های مختلف هستیم. این امر، نشان‌دهنده وجود سیستمی کارآمد برای انتقال دانش و فناوری است که مانع از فراموشی و از بین رفتن آن می‌شود. واره، با تمرکز بر زنجیره ارزش تولید شیر، از ابتدای تولید تا انتهای تولید محصول لبنی، همه افراد را حول این زنجیره متحد می‌کند.

ساختار واره، به عنوان نمونه‌ای از الگوهای محلی، تجلی‌گر اصول اقتصاد تعاون بنیان است. شگفت‌انگیز است که بدانیم اصول واره، تنها به این نمونه محدود نمی‌شوند. در نقاط دیگر کشور نیز می‌توان ردپاهایی از این الگوی تولید جمعی و اتحاد حول زنجیره ارزش را یافت که این امر نشان‌دهنده ریشه‌های عمیق این الگو در فرهنگ و تاریخ ایران است.

الگوهای نوآورانه در کسب‌وکارهای مبتنی بر تعاون

همانطور که اشاره شد، دانش و فناوری بومی در واره، نسل به نسل منتقل شده و از بین نرفته است. با الهام از این میراث ارزشمند و با توجه به نیازهای روز، می‌توان الگوهای نوآورانه‌ای در کسب‌وکارهای مبتنی بر تعاون توسعه داد. اتحاد حول زنجیره ارزش که امروزه تحت عنوان «سپالای چین اینتگریشن» نامیده می‌شود، به عنوان عنصر اصلی این الگوها، نقشی کلیدی در ارتقای کارایی، عدالت و پایداری ایفا می‌کند.

مبارزه با استثمار و بهره‌کشی در زنجیره ارزش

در بسیاری از زنجیره‌های ارزش، حلقه‌های آخر زنجیره، سهم عمده‌ای از ارزش تولید شده را تصاحب می‌کنند و این امر به ضرر تولیدکنندگان است. برای مثال، در زنجیره ارزش گندم و ماکارانی، کشاورز زحمت اصلی تولید گندم را می‌کشد، اما سهم او از سود نهایی بسیار ناچیز است. اغلب، سهم عمده سود به کارخانه‌ها، عمده‌فروشان، خرده‌فروشان و سایر واسطه‌ها می‌رسد.

اتحاد حول زنجیره ارزش، راهکاری برای مقابله با استثمار و بهره‌کشی در ساختارهای اقتصادی کنونی است. این به معنای آن است که تمام ذینفعان در طول زنجیره ارزش، از جمله تولیدکنندگان، فرآوری‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان، با یکدیگر همکاری کنند تا به اهداف مشترک دست یابند. همانطور که در مثال زنجیره ارزش



واره

گندم و ماکارانی ذکر شد، حلقه‌های آخر زنجیره ارزش با تصاحب بخش عمده‌ای از ارزش تولید شده، به است شمار و بهره‌کشی از حلقه‌های ابتدایی زنجیره می‌پردازند.

در ادامه، به معرفی سه الگوی نوآورانه در کسب‌وکارهای مبتنی بر تعاون می‌پردازیم که بر پایه اتحاد حول زنجیره ارزش بنا شده‌اند:

۱. تعاونی‌های سه وجهی (ترینیتی کوپرتیوها): این مدل تعاونی، الگویی برای کسب‌وکارهای مبتنی بر تعاون است که بر اساس همکاری در سه سطح تولید، عرضه و فروش و تأمین اعتبار بنا شده است. در این الگو، هر یک از این سه سطح توسط یک تعاونی مجزا اداره می‌شود. تعاونی‌های سه وجهی با هماهنگی و همکاری با یکدیگر، یک زنجیره ارزش کامل را تشکیل می‌دهند و به توزیع عادلانه ارزش نهایی بین تمام ذینفعان کمک می‌کنند؛ برای مثال، در مناطق روستایی چین، تعاونی‌های سه وجهی برای تولید سیفیجات به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه در مورد تعاونی‌های سه وجهی در چین، نقش برجسته زنان در این تعاونی‌هاست. نکته کلیدی در این الگو، تقسیم کار و تخصص در بین سه تعاونی مجزا است که هر کدام بر یکی از مراحل اصلی زنجیره ارزش تمرکز دارند.

۲. تعاونی‌های نسل جدید و خلق ارزش برای کشاورزان: در این نمونه، شاهد اتحاد کشاورزان در منطقه‌ای از چین برای تولید محصولات مبتنی بر گندم هستیم. به جای فروش گندم به کارخانه‌های فرآوری، کشاورزان با ایجاد یک کارخانه یا کارگاه تولید ماکارانی، خودشان نقش مستقیمی در زنجیره ارزش ایفا می‌کنند. در کشورهایی که این الگو اجرا شده، مشاهده می‌شود که کشاورزان سهمی بیش از ۶۰ درصد از قیمت نهایی محصول نهایی (مانند ماکارونی) را دریافت می‌کنند. این در حالی است که در روش‌های سنتی، سهم کشاورز از ارزش افزوده گندم بسیار ناچیز و کمتر از ۱۰ درصد است.

۳. «تعاونی‌های چند ذینفعه‌ای»: در این مدل، برخلاف تعاونی‌های سنتی که بر عضویت یک گروه خاص (مانند کشاورزان) تمرکز دارند، ذینفعان مختلف در زنجیره ارزش، از جمله مصرف‌کنندگان، توزیع‌کنندگان، تأمین‌کنندگان و ... می‌توانند عضو تعاونی شوند. فرض کنید یک سوپرمارکت به جای ساختار سنتی، به صورت تعاونی چند ذینفعه‌ای اداره شود. در این مدل:



- مصرف‌کنندگان: عضو تعاونی می‌شوند [و می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های سوپرمارکت نقش داشته باشند].
- توزیع‌کنندگان: عضو تعاونی می‌شوند [و در تامین و توزیع محصولات سوپرمارکت مشارکت می‌کنند].
- تامین‌کنندگان: عضو تعاونی می‌شوند [و در تولید و عرضه مواد اولیه به سوپرمارکت نقش دارند].

تفاوت تعاونی‌های چند ذینفعه‌ای با NGC ها و ترینیتیک آپرتیوها

در NGC ها، تمرکز بر یک دسته خاص از ذینفعان (مانند کشاورزان) است و کل زنجیره تولید را در اختیار می‌گیرند؛ در مدل ترینیتیک آپرتیوها نیز سه تعاونی مجزا برای تولید، عرضه و فروش و تامین اعتبار تشکیل می‌شود. با عرض پوزش از طولانی شدن بحث، لازم به ذکر است که ارائه بهترین مدل واحد برای تعاونی‌سازی امکان‌پذیر نیست. هدف از ارائه مثال‌هایی از الگوهای نوین، نشان دادن ظرفیت خلاقیت و نوآوری در این زمینه بود؛ نه تایید مطلق آنها. برای تاکید بر قدمت و پویایی تعاونی در فرهنگ ایرانی، به نمونه‌ای از تعاونی زنانه در «واره» اشاره شد که این تعاونی نشان‌دهنده ابتکار و خلاقیت زنان ایرانی در زمینه تعاونی‌سازی و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی است. با وجود اشتراکات مفهومی، تفاوت‌هایی نیز بین تعاونی و واره وجود دارد. تعاونی به عنوان یک مدل غربی (یک الگوی تقریباً ۲۰۰ ساله)، در چارچوب قوانین و ساختارهای مدرن شکل گرفته است؛ درحالی‌که واره ریشه در سنت‌ها و عرف جامعه ایرانی دارد. مطالعه و بررسی الگوهای تعاونی در میراث ایرانی، می‌تواند ایده‌ها و راهکارهای جدیدی برای تعاونی‌سازی مدرن ارائه دهد که این امر به احیای روحیه تعاون و همکاری در جامعه و خلق ارزش برای ذینفعان مختلف کمک خواهد کرد. الگوهای نوین تعاونی مانند «ترینیتیک آپرتیوها» و «تعاونی‌های چند ذینفعه‌ای» با رویکردهای نوآورانه و خلاقانه، به دنبال حل چالش‌های زنجیره‌های ارزش سنتی و خلق ارزش برای همه ذینفعان هستند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



بررسی چالش‌ها و فرصت‌های تعاونی‌سازی در ایران با تأکید بر الهام‌گیری از میراث ایرانی و اتخاذ رویکردهای نوین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مدل‌های سنتی تعاونی در ایران با چالش‌هایی مانند بروکراسی، تمرکزگرایی و عدم مشارکت فعال اعضای تعاونی مواجه هستند. در این راستا، مطالعه و بررسی الگوهای تعاونی در میراث ایرانی، مانند نمونه‌ای از تعاونی زنانه در «واره»، می‌تواند ایده‌ها و راهکارهای جدیدی برای تعاونی‌سازی مدرن ارائه دهد؛ همچنین، الگوهای نوین تعاونی مانند «ترینیتیک آپریتیوها» و «تعاونی‌های چند ذینفعه‌ای» با رویکردهای نوآورانه و خلاقانه، به دنبال حل چالش‌های زنجیره‌های ارزش سنتی و خلق ارزش برای همه ذینفعان هستند. با اتخاذ رویکردی نوآورانه و خلاقانه در تعاونی‌سازی، استفاده از الگوهای تعاونی در میراث ایرانی، افزایش مشارکت فعال اعضای تعاونی و ارتقای شفافیت و پاسخگویی در سیستم تعاونی، می‌توان گامی مهم در جهت عدالت اقتصادی، توسعه پایدار و خلق ارزش برای جامعه برداشت..